

تائیرات سیاسی جهانی شدن،  
بر زمینه‌سازی انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام

رحیم کارگر<sup>۱</sup>

امید درویشی<sup>۲</sup>

چکیده

«جهانی شدن» ضمن به وجود آوردن تحولاتی عمیق و ایجاد مرحله‌ای نوین از زندگی برای بشر، آثار متعددی بر جای گذاشته است. با توجه به این که یکی از مباحث مهم اندیشه مهدویت، بررسی زمینه‌های انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام می‌باشد؛ در این پژوهش تلاش شده است بیان شود که جهانی شدن چگونه به لحاظ سیاسی، می‌تواند زمینه‌ساز انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام باشد. این نوشتار، ضمن اشاره به برخی آثار سیاسی جهانی شدن، با روشی توصیفی - تحلیلی، به فرصت‌هایی اشاره می‌کند که بسترهای مثبت یا منفی شکل‌گیری قیام و انقلاب امام زمان علیه السلام را به وجود می‌آورند. واژگان کلیدی: جهانی شدن، جهانی سازی، سیاست، زمینه‌سازی، قیام، حکومت، انقلاب، امام زمان علیه السلام.

۱. عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. noorbaran313@gmail.com  
۲. دانش‌آموخته سطح سه مرکز تخصصی مهدویت «نویسنده مسئول» omid6922@gmail.com

## مقدمه

بر اساس آینده‌نگری دینی، سرانجام، جهان شاهد انقلابی بزرگ می‌باشد که به شکل‌گیری حکومتی جهانی منجر می‌شود: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵). طبق آموزه‌های اسلامی، چنین حکومتی با انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام محقق خواهد شد. شکل‌گیری این انقلاب جهانی، همانند همه انقلاب‌ها، بدون زمینه‌ها و بسترهای مناسب، امکان پذیر نخواهد بود. به تعبیر شهید صدر:

انقلاب مهدی علیه السلام، از نظر اجرا همانند همه انقلاب‌ها به زمینه‌های عینی و خارجی بستگی دارد و باید فضایی مناسب موجود باشد (صدر، ۱۳۷۹: ص ۱۰۸).

هر چند این قیام با امدادهای غیبی همراه است؛ اما تمامیت آن با معجزه و امداد غیبی نخواهد بود و همانند انقلاب‌های تاریخی و حتی برنامه‌های اصلاحی رهبران دینی، با بهره‌گیری از وسایل و اسباب طبیعی، با یکسری مقدماتی انجام می‌گیرد. برای شکل‌گیری چنین انقلابی، باید زمینه‌هایی در سطح جهانی ایجاد شود تا زیرساخت‌های این انقلاب مقدس شکل بگیرد. آیت الله مکارم شیرازی در این زمینه می‌گویند:

اگر بنا هست جهان کنونی پر از بیدادگری و ظلم و فساد، از لبه پرتگاه فنا و نیستی کنار رود؛ باید انقلابی وسیع در آن صورت گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ص ۶۷).

ایشان برای شکل‌گیری چنین انقلابی سه نوع آمادگی را ضروری می‌دانند که عبارتند از: «آمادگی‌های فکری و فرهنگی»، «آمادگی‌های اجتماعی» و «آمادگی‌های تکنولوژی و ارتباطی».

بعد سیاسی جهانی شدن، با ایجاد تحولاتی عظیم توانسته است در شکل‌گیری چنین آمادگی‌هایی نقش بسزایی داشته باشد و زمینه‌های تحقق انقلابی فراگیر و خیزشی عمومی را بیش از پیش فراهم کند.

با توجه به این که انقلاب امام زمان علیه السلام فراگیر و جهانی است، جهانی شدن ظرفی را فراهم ساخته که زمینه‌های شکل‌گیری انقلابی به وسعت کره زمین را که متون دینی وعده داده‌اند؛ فراهم کرده است؛ چرا که در قرون گذشته، تصور خیزش و انقلابی همگانی، هماهنگ و فراگیر وجود نداشت و به واسطه وجود قلمروگرایی و نیز وجود

فاصله‌های مکانی و نبود امکانات پیشرفته ارتباطی، عملاً زمینه‌های انقلابی جهانی و هماهنگ، با ابهاماتی همراه بود. اما امروزه به واسطه قلمروزدایی و از بین رفتن فاصله‌های مکانی و زمانی و امکان ارتباط فوری با تمام نقاط عالم، بستر تحقق خیزشی جهانی، بیش از پیش فراهم شده است. در ادامه این نوشتار به برخی از آثار جهانی‌شدن که بستری مناسب برای قیام و انقلاب امام زمان علیه السلام فراهم کرده‌اند؛ اشاره می‌شود.

### مفهوم شناسی

پیش از ورود به بحث، لازم است به تبیین برخی مفاهیم اساسی این نگاشته اشاره کنیم:

### الف) جهانی‌شدن

با طرح بحث «جهانی‌شدن»، اندیشمندان زیادی در این عرصه ورود پیدا کرده و حجم عظیمی از استنتاجات را ارائه کرده‌اند؛ اما هنوز تعریف واحدی برای آن ارائه نشده و ابهامی معنادار بر این مفهوم، سایه افکنده است؛ زیرا این پدیده به حد نهایی تکامل خود نرسیده است (هانس، ۱۳۸۱: ص ۱۴). به همین دلیل، زاویه دید اندیشمندان، به مقوله جهانی‌شدن، موجب تعاریف متعددی در این عرصه شده است.

برخی از نظریه پردازان، بعد اقتصادی جهانی‌شدن را در نظر گرفته، می‌گویند:

جهانی‌شدن حاصل یکپارچگی اقتصادی، مالی و زیست محیطی است (کومسا، ۱۳۸۸: ص ۱۸۳). جیمز روزنا<sup>۱</sup> با تکیه بر برجیده شدن مرزهای طبیعی و جغرافیایی معتقد است: جهانی‌شدن، فرایندی است که در ورای مرزهای ملی گسترش یافته و افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها را به انسجام رفتارهای یکسان با شرکت در فرایندها، سازمان‌ها یا نظام‌های فراگیر و منسجم وا می‌دارد (روزنا، ۱۳۸۷: ص ۲۳).

آنتونی گیدنز<sup>۲</sup> جهانی‌شدن را نتیجه طبیعی رشد و گسترش مدرنیته قلمداد می‌کند و می‌گوید: جهانی‌شدن، سیمای ظاهری جهان و همچنین نحوه نگرستن ما به جهان را دگرگون می‌سازد (گیدنز، ۱۳۸۹: ص ۷۶).

1. James Rosenau
2. Anthony Giddens

یان آرت شولت<sup>۱</sup> معتقد است که به واسطه جهانی شدن، در شکل بندی فضای اجتماعی تغییری نوین ایجاد شده است که در این فضا، مرزهای ملی کم رنگ شده و فضای جامعه بشری طبق فاصله‌های مکانی و سرزمینی شناسایی نمی‌شوند. به تعبیر او، نوعی «قلمرو زدایی» ایجاد شده است. وی می‌گوید:

جهانی شدن حاکی از نوعی تغییر گسترده در ماهیت فضای اجتماعی است (شولت، ۱۳۸۲: ص ۵۰).

همان‌طور که بیان شد، ارائه تعریفی جامع از جهانی شدن کاری دشوار است؛ ولی با توجه به بیانات مذکور، می‌توان از جهانی شدن تعریفی ارائه کرد که با محور این نوشتار متناسب است:

جهانی شدن عبارت است از فرایند فشردگی زمان و مکان که به واسطه آن، عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی، در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند.

### ب) جهانی سازی

در تعریف «جهانی سازی» گفته‌اند:

گسترش فرهنگ یک کشور یا یک بلوک به سراسر کره زمین، یا تلاش برای گستردن جهانی الگوها و ایده‌های خاص. این تلاش به آن علت صورت می‌گیرد تا بر کشورهای دیگر جهان تاثیر گذارده، آن‌ها را در یک نظم نوین و دلخواه گرد هم آورد (شیرودی، ۱۳۸۶: ص ۹).

بسیاری از نظریه پردازان، جهانی سازی را در واقع «پروژه‌ای» می‌دانند که کارگزارانی دارد و آن را به سمت و سوی خاصی در سطح جهان هدایت می‌کند. آنان اعتقاد دارند که جهانی سازی توسط نظام لیبرال دموکراسی غرب، به دلیل تسلط بر کل دنیا به راه افتاده است. طبق این دیدگاه، جهانی شدنی که دنیای غرب از آن دم می‌زند، همان جهانی سازی، غربی سازی، آمریکایی سازی و یا جهان‌گرایی آمریکایی است. به عبارتی دیگر، نظام لیبرال دموکراسی غرب تلاش می‌کند با استفاده از فن‌آوری ارتباطات



1. jan Aart scholte

رسانه‌ای درزمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، برای کشورهای دنیا قوانینی وضع و در این زمینه‌ها بر سایر ملت‌ها اعمال نفوذ کند و این، همان چیزی است که از آن به «نظم نوین جهانی» «نظام تک قطبی» و «امپراتوری جهانی امریکا» تعبیر می‌شود.

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

این جهانی شدن، اسمش جهانی شدن است؛ اما باطنش امریکایی شدن است... هدف به صورت لخت و پوست‌کنده جز این چیز دیگری نیست؛ اما می‌خواهند در زیر نام‌های زیبا - جهانی شدن و تحوّل و پیشرفت - این هدف را پنهان کنند (مقام معظم رهبری: ۱۳۷۹/۱۲/۹).

لستر تارو، یکی از دلایل مخالفت با جهانی شدن را امریکایی بودن آن می‌داند و

می‌گوید:

جهانی شدن طرح ساختمانی امریکایی است که بدون مشارکت آنان و به رغم اعتراضاتی که می‌کنند، در حال بنا شدن است... برخی از احساسات ضد امریکایی به این دلیل بروز می‌کند که دیگران می‌بینند امریکایی‌ها از جهانی شدن منافع زیادی به دست می‌آورند؛ چون الگوی جهانی بر الگوی امریکایی مبتنی است (لستر تارو، ۱۳۸۳: ص ۱۴۴).

بنابراین، مفهوم «جهانی شدن» با مفهوم «جهانی‌سازی» متفاوت است؛ زیرا «جهانی شدن» فرایندی طبیعی است که جوامع بشری را در بستر پیشرفت در عرصه‌های متعدد قرار داده است؛ اما «جهانی‌سازی» جریانی است که فرایند جهانی شدن را به واسطه استفاده حداکثری از زیرساخت‌ها و بعد سخت افزاری، به سمت و سوی خاصی سوق می‌دهد. به عبارت دیگر، جهانی شدن که فرایندی طبیعی است، همانند ظرفی است که جهانی‌سازی به نوعی محتوای آن محسوب می‌شود؛ یعنی زمانی که عده‌ای خاص، این فرایند و حرکت روبه‌رشد بشری را، در دست بگیرند و با اعمال اراده «هدفمندشان»، محتوایی خاص برای آن ظرف تعیین کنند؛ جهانی‌سازی محقق شده است.



### ج) انقلاب امام زمان علیه السلام

«انقلاب» از نظر لغوی به معنای «برگردیدن و واژگون شدن و برگشتن از کاری و حالی است» (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۳، ص ۳۵۷۹) و از نظر اصطلاحی:

به آن رویدادها، یا به طور دقیق تر رشته رویدادهایی محدود می شود که از ایجاد تغییر مقامات حکومت یا حتی رژیم فراتر است و به تغییرات اجتماعی - اقتصادی بنیادی در جامعه منجر می شود (راش، ۱۳۹۰: ص ۲۲۳).

شهید مطهری با بیان این که «انقلاب، ماهیت مردمی دارد می گوید:

انقلاب عبارت است از: طغیان و عصیان مردمی که محکوم یک نظام هستند و از آن نظام ناراضی و خشمگین اند علیه آن نظام حاکم، برای این که وضع مطلوبی که آرمان آن هاست، به وجود بیاید (مطهری، ۱۳۷۲: ج ۲۴، ص ۱۹۶).

در بستر تاریخ، همواره انقلاب‌هایی ایجاد شده که هر کدام به نوبه خود دارای ویژگی‌ها و ایدئولوژی‌هایی بوده است. در عصر کنونی، جهان شاهد انقلاب‌های زیادی بوده است، از جمله «انقلاب فرانسه (۱۷۸۹م)، انقلاب روسیه (۱۹۱۷م)، انقلاب چین (۱۹۴۹م)، انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۸م) و همچنین انقلاب‌های زنجیره‌ای در کشورهای عربی که هر کدام به نحوی بر عرصه سیاسی اجتماعی تاثیرگذار بوده است. متون دینی ادیان مختلف، مخصوصاً دین اسلام، از وقوع یک انقلاب جهانی در آینده تاریخ خبر داده‌اند که به «قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام» معروف است و یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های بشری می‌باشد و تحولاتی بنیادین در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در تمام دنیا ایجاد می‌کند.

### د) زمینه‌سازی

«زمینه‌سازی» به معنای مقدمه چینی، آماده ساختن، استعداد، اعداد زمینه و تهیه مقدمات برای منظوری است (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۳، ص ۱۲۹۳۴). اما زمینه‌سازی موضوع این نوشتار، به معنای وجود رابطه علی و معلولی بین جهانی شدن و انقلاب امام زمان علیه السلام نیست و بدان معنا نیست که چون جهانی شدن، برخی فرصت‌ها را ایجاد کرده است؛ پس لاجرم انقلاب امام زمان علیه السلام باید محقق شود؛ بلکه مراد از زمینه‌سازی، «هم سویی» برخی آثار جهانی شدن با انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام می‌باشد؛ به نحوی که



بسترهای مناسبی برای تحقق انقلاب جهانی امام عصر علیه السلام فراهم شده که این بسترها قبلاً وجود نداشته‌اند.

### تأثیر جهانی شدن بر انقلاب جهانی مهدوی

همان طور که بیان شد، تحولات بزرگ اجتماعی، همواره نیازمند مقدماتی طبیعی هستند تا در سایه این مقدمات، بتوانند در لایه‌های گوناگون جوامع بشری، به خوبی تأثیر گذار باشند. قیام و انقلاب امام زمان علیه السلام نیز نه تنها از این قاعده مستثنا نیست، بلکه چون در مقیاسی جهانی صورت می‌گیرد، به طریق اولی نیازمند مقدمه چینی و زمینه‌سازی گسترده‌ای است. بر این اساس بعضی از آثار جهانی شدن - که می‌تواند برای قیام و انقلاب امام زمان علیه السلام بستری مناسب فراهم کند - عبارت است از:

#### ۱. رشد آگاهی‌های سیاسی

جهانی شدن، باعث افزایش و رشد آگاهی‌ها، در عرصه‌های مختلف شده است که یکی از مصادیق این دانش‌ها، رویکرد سیاسی مسائل جامعه است. در واقع، به واسطه زیرساخت‌هایی که جهانی شدن فراهم کرده، اطلاعات سیاسی فراوانی در دسترس عموم قرار گرفته و جهان به سمت سیاسی شدن هر چه بیشتر، افزایش آگاهی‌های سیاسی، کاهش رژیم‌های اقتدارگر، کوچک شدن دنیا و جامعه مدنی جهانی به پیش می‌رود. علاوه بر افزایش این اطلاعات، تسهیلات اطلاع رسانی بر این امر موثر است. در حقیقت از نظر فنی، گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، همانند رسانه‌های صوتی و تصویری و زیرساخت‌هایی چون اینترنت و ماهواره، نقش بسیار مهمی در رشد آگاهی‌های سیاسی ایفا کرده‌اند. مانوئل کاستلز در این مورد می‌گوید:

رسانه‌ها، منبع اساسی اطلاعات و عقاید سیاسی مردم است (کاستلز، ۱۳۸۵: ج ۲: ص ۳۹۰). قدرت آگاهی بخشی سیاسی رسانه‌ها در جوامع، آن قدر پررنگ می‌باشد که برخی از نظریه پردازان ارتباطات معتقدند، امروز جهان در دست کسی است که رسانه‌ها را در اختیار دارد (بگدیکیان، ۱۳۸۲: ص ۵).

به واسطه بعد فنی و تکنولوژیک جهانی شدن، آگاهی‌های سیاسی، گسترده شده و فهم جامعه جهانی نسبت به حاکمیت‌ها و نظام‌های سیاسی موجود، بیش از پیش

افزایش یافته و اهداف و برنامه‌های آنان روشن‌تر شده است. انسان امروزی به این نکته ظریف و در عین حال، تعیین‌کننده پی برده است که نظام مدیریتی جهان، از جهات متعددی توانایی اداره جهان را ندارد و نه تنها نمی‌تواند بشر را به کمال و سعادت برساند؛ بلکه روز به روز جامعه جهانی را به سوی گمراهی، فقر، فساد و تباهی سوق می‌دهد. امروزه افکار عمومی به مدد تکنولوژی‌های مدرن، فهمیده‌اند که اصلاح ساختار مدیریتی جهان و تبدیل تعدد مدیریت به وحدت مدیریت، یکی از عوامل نجات‌بخش بشر از خطر نابودی و انحطاط است (پسنیدیه، ۱۳۸۱: ص ۴۲).

طبق روایات، یکی از زمینه‌های سیاسی شکل‌گیری انقلاب جهانی امام عصر علیه السلام؛ آن است که در عرصه سیاسی، تمام کسانی که مدعی به سعادت رساندن بشرند، به قدرت برسند و جهانیان به مرور زمان دریابند که هیچ مکتب بشری، قادر نیست انسان را به ساحل نجات برساند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدْ وُلُوا عَلَى النَّاسِ حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ إِنَّا لَوْ وُلِينَا لَعَدْنَا ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ؛ امر قیام مهدی ما محقق نخواهد شد، مگر این‌که تمام اصناف مردم به حکومت برسند تا نتوانند بگویند اگر حکومت به دست ما داده می‌شد، عدالت و حق را اجرا می‌کردیم. بعد از رسیدن همه طبقات به حکومت، آن‌گاه مهدی ما ظاهر می‌شود و حق و عدالت را اجرا می‌کند (نعمانی، ۱۴۲۸: ص ۲۷۴).

از طرفی دیگر، رشد آگاهی‌های سیاسی این فرصت را فراهم می‌کند تا جامعه جهانی از حاکمیت بی‌نظیر امام زمان علیه السلام و زیبایی‌هایی که این حاکمیت در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، برای بشر به ارمغان می‌آورد؛ آشنا سازد. این آگاهی مقدس می‌تواند زمینه احساس نیاز و تشنگی به چنین حکومتی را در دل و جان مردم افزایش دهد. ره‌آورد این دانش‌افزایی سیاسی، آن است که افکار عمومی با مقایسه بین حاکمیت‌های بشری و حکومت امام زمان علیه السلام، می‌تواند حاکمیت سیاسی مطلوب را بشناسد و در جهت تحقق آن گام بردارد.

امروزه به واسطه رشد آگاهی‌های سیاسی که جهانی شدن ایجاد کرده است، افکار عمومی به این نکته پی برده است که مردم دنیا باید در زیر سایه مدیریت سیاسی واحدی به سر ببرند و این امر زمینه پذیرش عمومی قیام و انقلاب امام زمان علیه السلام را آسان خواهد کرد.



همان طور که نقش مردم در دوران حکومت امام زمان علیه السلام پر رنگ می‌باشد، نقش آنان در زمینه‌سازی و تحقق قیام و انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام بسیار تعیین کننده است. تفکر مردم سالارانه زمینه ساز ظهور، بر این اصل استوار است که ایجاد هرگونه تغییر و تحول در جوامع انسانی، به دست خود انسان‌ها و با اراده و خواست آنان محقق می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ مَا يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾؛ در حقیقت، خدا حال قومی را

تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند (رعد: ۱۱).

روایاتی که وضعیت سیاسی اجتماعی دوران پیشا ظهور را ترسیم کرده‌اند، نحوه تغییر درونی مردم دنیا و احساس نیازشان را به مصلحی جهانی نمایان ساخته‌اند؛ به نحوی که مقبولیتی عمومی، بستر ساز انقلاب جهانی امام عصر علیه السلام می‌شود. مردم آن دوران «به چنان عطش و شیفتگی می‌رسند که اضطرار حکومت جهانی موعود را با تمام وجود درک می‌کنند و آن را تنها نظام تحقق بخش آرمان‌ها و اهداف عالی انسانی می‌دانند و به آن عشق می‌ورزند (رامین، ۱۳۸۸: ص ۹۸). روایات زیادی گویای این عطش و شیفتگی می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِنَّهُ لَأُخْرَجُ حَتَّىٰ لَا يَكُونُ غَائِبٌ أَحَبُّ إِلَى النَّاسِ مِنْهُ مِمَّا يَلْقَوْنَ مِنَ الشَّرِّ ... ؛

مهدی موعود قیام نمی‌کند تا زمانی که هیچ غایبی در نزد مردم محبوب‌تر از وی نباشد و این به دلیل شرارت‌ها و ناروایی‌هایی است که مردم دیده‌اند (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸: ص ۹۴). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید:

تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النُّحْلُ إِلَى يَعْسُوبِهَا...؛ امت به حضرت مهدی پناه می‌برند، آن‌گونه که زنبور به ملکه خویش پناه می‌برد (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ص ۱۴۷).

## ۲. رشد فوق قلمروگرایی

«قلمروگرایی یعنی وضعیتی که در آن، جغرافیای اجتماعی، به یک قلمرو یا سرزمین کاملاً مربوط است (شولت، ۱۳۸۲: ص ۵۰). در فرایند جهانی شدن، «قلمروگرایی» کم‌رنگ شده و دنیا در حال کوچک شدن است. در این فرایند، حتی روابط بین‌المللی به نوعی روابط قلمروی محسوب می‌شود و آنچه دنیای جدید شاهد آن است، این که

روابط، از قلمرو خاص و حتی بین‌المللی، به روابط جهانی تبدیل شده و روابط مذکور قلمرویی در فراسوی جغرافیا پیدا کرده است؛ به نحوی که برخی دم از «مرگ جغرافیا» زده‌اند (مورای، ۱۳۸۸: ص ۱۹).

خطوط مرزی که خطوطی اعتباری و قراردادی هستند، به واسطه جهانی شدن کارایی خود را از دست داده و این خطوط، نسبت به زمان‌های گذشته نفوذپذیرتر شده‌اند. کنیچی اومایی<sup>۱</sup> می‌گوید:

مرزهای ملی در مقایسه با گذشته محدودیت کم‌تری ایجاد می‌کنند. بخشی از آن مرهون فن‌آوری است؛ در حالی که بخش دیگر نتیجه موافقت نامه‌های بین‌المللی و دو جانبه، به ویژه در زمینه تجارت بوده است. دنیا به طور روزافزون به مکانی بدون مرز تبدیل می‌شود (اومایی، ۱۳۸۶: ص ۵۱).

مالکوم واترز نیز می‌گوید:

امکان وجود جهان بدون مرز به قدری زیاد شده است که یک فرهنگ سیاسی مشترک در این زمینه در جوامع مختلف وجود دارد (واترز، ۱۳۷۹: ص ۱۷۴).

رشد فوق قلمروگرایی آن قدر افزایش یافته که دیگر سخن گفتن از «دهکده جهانی» مارشال مک لوهان<sup>۲</sup> نیز به تاریخ پیوسته است، تا جایی که برخی از نظریه‌پردازان، ایده «کلبه جهانی» را مطرح می‌کنند. مانوئل کاستلز<sup>۳</sup> می‌گوید:

ما در دهکده جهانی زندگی نمی‌کنیم، بلکه در کلبه‌هایی فراخور حال هر منطقه زندگی می‌کنیم که در سطحی جهانی تولید و در محدوده محلی توزیع شده‌اند (کاستلز، ۱۳۸۵: ج ۱: ص ۳۹۷).

آنتونی گیدنز در مورد رشد فوق قلمروگرایی و تأثیرش بر جامعه امروزی می‌گوید:

دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، ما را بسیار بیش از مردمان زمان‌های گذشته به دیگران، حتی به کسانی که هزاران فرسنگ از ما دور هستند، وابسته می‌کند. این پیوند میان امور محلی و امور جهانی در تاریخ بشر کاملاً تازگی دارد و طی سی یا

- 
1. Ohmae Kenichi
  2. Marshal McLuhan
  3. Manuel Castells

چهل سال گذشته شتاب زیادی گرفته که نتیجه پیشرفت‌های نمایان و چشم‌گیر در فناوری ارتباطات و اطلاعات و حمل و نقل است (کیدنز، ۱۳۸۹: ص ۷۴).

براساس روایات اسلامی، با شروع انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام و تشکیل حکومت مهدوی، مرزها هویت خود را از دست می‌دهند و پهنه زمین به کشوری پهناور تبدیل می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

... يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ... (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۳۱). دولت او به شرق و غرب جهان می‌رسد و خداوند به واسطه او دین خود را بر همه ادیان غالب می‌گرداند. در چنین جهانی که تبدیل به یک کشور بدون مرز شده است، تمامی حاکمان ظالم، توسط امام زمان علیه السلام برکنار می‌شوند: «لَيُعَزِّلَنَّ عَنْكُمْ أَمْرَاءَ الْجَوْرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ص ۱۲۰) و افرادی لایق و شایسته در راس امور سیاسی قرار می‌گیرند. «يَفْرُقُ الْمُهْدِيَّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ... (کامل سلیمان، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۶۵۰).

آنچه در مورد برداشته شدن مرزها در عصر ظهور وعده داده شده است، نکته‌ای است که در عصر جهانی شدن بر آن تاکید می‌شود و عملاً در بسیاری از جاها مورد پذیرش قرار گرفته است؛ چرا که نظریه پردازان جهانی شدن تلاش می‌کنند نظام سیاسی اجتماعی را در عرصه‌های مختلف به سمت و سوی وحدت و یکی شدن سوق دهند و وجود مرزها و ایجاد موانع ساختگی، تنها باعث عقیم ماندن آرمان رسیدن بشر به وحدت و افزایش رفاه همگانی است (جهانیان، ۱۳۸۴: ص ۱۵۸).

جهانی شدن نوید حکومتی واحد می‌دهد؛ چنین رویکردی:

ملت‌ها را به این نتیجه رسانده که برای آینده‌ای بهتر، باید مرزها را به حداقل رساند و جهان را دهکده‌ای کوچک دانست. این رویداد، آمادگی مردم را برای پذیرش حاکمیتی فراگیر، بیش‌تر کرده است. البته استکبار جهانی تئوری دهکده جهانی را در جهت حفظ منافع خود و تک قطبی شدن جهان پی‌گیری می‌کند؛ اما چه بسا اراده الاهی به دست دشمنان خدا نیز انجام گیرد (کارگر، ۱۳۸۸: ص ۲۵).

بنابراین، به واسطه رشد جهانی شدن، کمرنگ شدن مرزها و از میان برداشتن آن‌ها، مورد قبول افکار عمومی قرار گرفته و این مسئله، همسو با انقلاب و خیزشی است که برای رسیدن به حکومتی واحد و یکپارچه شکل می‌گیرد.



### ۳. پیدایش سازمان‌های جهانی

پیدایش «سازمان‌های جهانی»، یکی از بارزترین جنبه‌های بعد سیاسی جهانی شدن است. سازمان‌هایی مانند سازمان ملل متحد، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی، از جمله مهم‌ترین سازمان‌های جهانی هستند. این سازمان‌ها به این دلیل جهانی و فراملی‌اند که نه در یک دولت، بلکه در عرصه بین‌المللی اختیار فعالیت دارند (هیوود، ۱۳۹۲: ص ۲۰۶).

این سازمان‌ها یک شبکه تار عنکبوتی جهانی تشکیل می‌دهند که از طریق آن، تعیین هدف و تصمیمات مربوط به نحوه تخصیص منابع جریان می‌یابد (واترز، ۱۳۷۹: ص ۱۶۵).

تاثیر و تأثر این سازمان‌ها و جهانی شدن، بسیار درهم تنیده است؛ به نحوی که این سازمان‌ها در جریان جهانی شدن نقش بسزایی دارند. به تعبیر جوزف استیگلیتز، کنترل جهانی شدن در دست سه سازمان بین‌المللی است که اکثر برنامه‌ریزی‌ها برای جهانی شدن در دست این سه موسسه و نهادهای وابسته به آن‌ها می‌باشد. وی می‌گوید: سه موسسه بین‌المللی، کنترل جهانی شدن را در دست دارند. این سه سازمان، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی می‌باشند (استیگلیتز، ۱۳۸۸: ص ۳۰).

با گذشت زمان زیادی از شکل‌گیری سازمان‌های جهانی، این سازمان‌ها هنوز نتوانسته‌اند مرهمی بر زخم‌های جامعه بشری بگذارند. به عنوان نمونه جوزف استیگلیتز که مدتی رییس اقتصاد دانان بانک جهانی بوده است، در مورد صندوق بین‌المللی پول می‌گوید:

پس از نیم قرن که از فعالیت‌های این سازمان می‌گذرد، به روشنی می‌توان دریافت که صندوق بین‌المللی پول در رسیدن به اهداف خود شکست خورده و به اهداف بنیادین خود که همانا کمک به کشورهای در حال سقوط اقتصادی بوده؛ نرسیده است (همان: ص ۳۵).

بنابراین، پیدایش سازمان‌های جهانی (که به واسطه فرایند جهانی شدن حاصل شده‌اند) گویای این نکته است که اولاً انسان امروزی از نظام مدیریتی حاکم بر دنیا قطع



امید کرده است؛ چرا که:

واقعیت این است که جهان تاکنون گونه‌های مختلفی از سیستم‌های مدیریت را تجربه کرده است که هیچ‌کدام نتوانسته گمشده بشر، یعنی عدالت و سعادت را برای بشر به ارمغان آورد (پسندیده، ۱۳۸۱: ص ۴۲). تأسیس سازمان ملل متحد، شورای امنیت، پلیس بین‌الملل، دادگاه جهانی لاهه، بانک جهانی و سایر سازمان‌های بین‌المللی؛ نمونه‌ای است از اقداماتی که انسان‌ها در انتظار اجرای بنیادی‌ترین خواست فطری خود، یعنی عدالت از سوی آن‌ها هستند (قنبری، ۱۳۸۵: ص ۱۴۰).

ثانیا افکار عمومی مدیریت واحد جهانی را می‌پسندد که تمامی مردم دنیا باید زیر سایه مدیریت سیاسی واحدی به سر ببرند:

امروز کشورها پذیرفته‌اند که باید قدرتی جهانی وجود داشته باشد تا مرجع رسیدگی به داد مظلومان عالم به حساب آید و ملت‌ها را برگرد خویش آورد. تشکیل سازمان ملل و قطعنامه واحد... همه گواه بر این است که جهان به سوی پذیرش حکومت جهانی به پیش می‌رود (صداقت، ۱۳۸۸: ص ۳۳۳).

بنابراین، جهانی شدن بستری را فراهم کرده که زمینه‌ها و شرایط برای خیزش عمومی در جهت شکل‌گیری حکومتی عدالت محور و استقبال از آن، حاصل شود؛ چرا که شکل‌گیری یک قیام عمومی به منظور تحقق حکومتی عدالت محور و واحد، اگر در گذشته دور از ذهن بود؛ امروزه به دلیل ناکارآمدی سازمان‌های جهانی و احساس نیاز افکار عمومی به مدیریتی واحد و فراگیر، میسر شده و این رویکرد منطقی، گمشده انسان عصر حاضر می‌باشد.

بی‌تردید سازمان‌ها و نهادهای مطرح بین‌المللی که در تحقق جهانی شدن نقش اساسی دارند، با وجود فعالیت‌های مثبتی که در عرصه بین‌المللی انجام داده‌اند؛ نه تنها نتوانسته‌اند شعارها و وعده‌هایی را که به انسان‌های تشنه صلح و عدالت و امنیت داده‌اند، عملی سازند، بلکه روز به روز، با شعارهایشان زاویه می‌گیرند؛ اما:

گسترش سازمان‌های جهانی در چند دهه گذشته، ذهن انسان‌ها را از عرصه ملی و محلی به عرصه فراگیر جهانی سوق داده است (بهریزی لک، ۱۳۸۸: ص ۱۶۸) و اولین فرصتی که جهانی شدن در اختیار ایده‌مهدویت قرار داده، ایجاد آمادگی در جهانیان برای



پذیرش حکومت واحد جهانی و عدالت‌محور است (عرفانی، ۱۳۸۶: ص ۱۲۲).

به همین دلیل است که مردم در عصر پیشا ظهور، چنان دچار اضطراب می‌شوند که برایشان هیچ غایبی محبوب‌تر از منجی واقعی وجود ندارد؛ «إِنَّهُ لَا يَخْرُجُ حَتَّى لَا يَكُونُ غَائِبٌ أَحَبُّ إِلَى النَّاسِ مِنْهُ مِمَّا يَلْقَوْنَ مِنَ الشَّرِّ» (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸: ص ۹۴) و هنگام شروع قیام، به خوبی از آن استقبال می‌شود.

#### ۴. احساس نیاز به امنیت فراگیر

امروزه ضرورت امنیت در حوزه‌های مختلف بر کسی پوشیده نیست.

در مباحث روابط بین‌الملل، دولت در تامین امنیت دارای نقش اولیه و انحصاری است (کارولین، ۱۳۸۲: ص ۲۵)؛ اما یکی از ویژگی‌های اصلی جهانی شدن آن است که از برون و از درون بر دولت فشار وارد می‌آورد تا محیط امنیتی ایجاد شده توسط دولت را تغییر دهد (آقارضایی، ۱۳۹۱: ص ۱۳۳). به تعبیر یان ارت شولت دولت‌ها در مواجهه با جهانی شدن، دیگر نمی‌توانند به معنای سنتی خود مختار باشند (شولت، ۱۳۸۲: ص ۱۶۸).

بنابراین، دولت‌ها در تامین امنیت خود دیگر نمی‌توانند تصمیم‌گیر نهایی باشند و در بسیاری از مواقع، در جهت تامین امنیت ملی خود، امنیت دیگران را به خطر می‌اندازند. رابرت جرویس<sup>۱</sup> در این زمینه می‌گوید:

تلاش‌های یک دولت برای دستیابی به امنیت، در دیگر دولت‌ها احساس ناامنی به وجود می‌آورد (جرویس، ۱۳۸۹: ص ۹۸).

از نظر اقتصادی:

بی‌ثباتی در بازارهای مالی جهانی به طور همسان، موجب افزایش عدم امنیت در میان قشرهای ثروتمند و فقیر دنیا شده است. زنجیره‌های طولانی نوسانات ارزی، سقوط بازارهای سهام و اوراق قرضه، سرمایه‌گذاران را در اضطراب دائمی نگه داشته است (شولت، ۱۳۸۲: ص ۲۶۸). از نظر اجتماعی نیز: دگرگونی اجتماعی و روان‌شناختی و جابه‌جایی از ملیت‌گرایی تک‌بعدی به کثرت‌گرایی گردیده و به ظهور هویت‌های چندرگه می‌انجامد (همان: ص ۲۳۳). از نظر فرهنگی نیز: جهانی شدن،



1. Robert Jervis

کشورهای جهان سوم را با بحران هویت و حاکمیت روبه‌رو ساخته است (مالک، ۱۳۸۲: ص ۳۷).

علاوه بر این‌ها، به واسطه پیشرفت تکنولوژی در صنعت اسلحه‌سازی، روز به روز شاهد تولید نسل جدیدی از سلاح‌های مرگبار هستیم که قدرت تخریب و ویرانگری بسیار بالایی دارند و آشکارا، امنیت جوامع بشری را تهدید می‌کنند. جیمز کرت<sup>۱</sup> در مورد جهانی شدن و تهدیدهای امنیتی آن می‌گوید:

همه انقلاب‌ها، سنت‌ها و رسوم مردمان را در هم می‌شکنند، و از این رو، در واقع احساس ایمنی، امنیت و حتی هویت آنان را در معرض تهدید قرار می‌دهند. انقلاب عالم‌گیری که جهانی شدن نام گرفته است نیز به سهم خود، امنیت هر یک از مردمان روی زمین را به درجاتی تهدید می‌کند (کرت، ۱۳۸۰: ص ۳۴۲).

با توجه به مطالب مذکور، روشن می‌شود که یکی از مشکلاتی که جامعه جهانی در عصر پیشاظهار با آن دست و پنجه نرم می‌کند، «عدم امنیت» است. در چنین وضعیتی، احساس نیاز به امنیت فراگیر و جهانی می‌شود؛ چرا که ریشه بسیاری از قیام‌های تاریخی عدم امنیت در عرصه‌های مختلف بوده است. روایاتی که حوادث آخرالزمان را ترسیم کرده‌اند، نبود امنیت را به خوبی ترسیم نموده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

... إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرَجًا وَ تَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَ تَقَطَّعَتِ السُّبُلُ وَ أَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ... فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيًّا؛ آن‌گاه که دنیا از هرج و مرج پر شد و انواع فتنه‌ها جهان را فراگرفت و عدم امنیت راه زندگی را بر مردم مسدود کرد، مردم اموال یکدیگر را به غارت بردند؛ ... در این موقع، خداوند مهدی این امت را مأمور به قیام می‌فرماید (خزاز رازی، ۱۳۶۰: ص ۶۳).

شیوع ناامنی در عصر پیشاظهار، نشان دهنده ناکارآمدی نظام‌های سیاسی است که با سوار شدن بر موج جهانی شدن، نه تنها قادر به تأمین امنیت و عدالت برای جامعه جهانی نیستند، بلکه روز به روز آتش ناامنی را برافروخته‌تر می‌کنند و این روند باعث می‌شود تا انسانی که تشنه امنیت است، به این نتیجه برسد که نظام‌های سیاسی موجود،



توان برآورده کردن این نیاز ضروری را ندارند و از دولت‌ها و سردمداران سیاسی خویش قطع امید کنند و به منجی واقعی چشم امید داشته باشند و در جهت ظهور او کوشش و تلاش کنند زیرا طبع انسان چنین است که برای رسیدن به وضعیت مطلوب تلاش و کوشش می‌کند و اگر انسان‌ها امروزه به شعارهای پوشالی نظام‌های بین‌المللی دل خوش کرده‌اند، به دلیل احساس کاذبی است مبنی بر این که می‌پندارند نظام‌های بشری می‌توانند امنیت را برایشان فراهم کنند:

مردم جهان باید بفهمند آنچه در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی درباره آینده درخشان تمدن بشری در پرتو پیشرفت‌های ماشینی به آن‌ها نوید داده می‌شد، در واقع در باغ سبزی بیش نبود؛ و یا همچون سرابی بوده در یک بیابان سوزان در برابر دیدگان مسافران تشنه‌کام. نه تنها صلح و رفاه و امنیت مردم جهان تأمین نشد، بلکه دامنه مناقشات و ناامنی‌های مادی و معنوی گسترش یافت... پی بردن به عمق وضع خطرناک کنونی، نخست حالت تفکر، سپس تردید و سرانجام یأس از وضع موجود جهان و آمادگی برای یک انقلاب همه جانبه بر اساس ارزش‌های جدید را به وجود می‌آورد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ص ۸۱).

##### ۵. بسترسازی در جهت گسترش ظلم و ستم

یکی از مسائلی که جزء مسلمات عصر پیشا ظهور می‌باشد، این است که در آن دوران، ظلم و ستم زمین را فرا می‌گیرد. روایات بسیاری که از پیامبر خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام بیان شده چنین تصریح کرده‌اند:

...يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا...؛ زمین پر از قسط و عدل می‌شود، همان طور که پر از ظلم و جور شده است (نعمانی، ۱۴۲۸: ص ۸۱) و نیز: «... فَيَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»؛ زمین پر از قسط و عدل می‌شود، بعد از آن که پر از ظلم و جور شده است (ابن طاووس، ۱۴۰۰: ص ۱۷۷).

یکی از عواملی که باعث شده است، فراگیر شدن زمین از ظلم و ستم که در روایات با عبارات «بَعْدَ مَا مَلَأَتْ» و «كَمَا مَلَأَتْ» به آن تصریح شده، محقق شود؛ راهکارهای سیاسی غلطی است که برخی نظریه پردازان برای بالندگی جامعه بشری مطرح کرده‌اند؛





به نحوی باعث شده روابط سیاسی اجتماعی سمت و سوی غیر الاهی پیدا کند و بشر روز به روز بیش تر در منجلاب فساد و تباهی فرو رود.

صرف نظر از آثار مثبت جهانی شدن، بنا به تصریح بسیاری از نظریه پردازان، جهانی شدن: دارای آثار منفی بسیاری است که مخالفت‌های زیادی را در سراسر گیتی، در میان دولتمردان، اقتصاددانان و دانشمندان علوم اجتماعی برانگیخته است (مالک، ۱۳۸۲: ص ۱۸۲).

اندیشمندان در قالب کتاب، مقاله و سخنرانی و... آثار منفی جهانی شدن را به جامعه جهانی گوشزد کرده‌اند؛ به طوری که:

بخش قابل توجهی از ادبیات موجود دربارهٔ جهانی شدن، به نوشته‌هایی اختصاص دارد که به رغم مشاهدهٔ شاخص‌ها و عوارض جهانی شدن در عرصه جوامع بشری، نگاه منتقدانه به آن‌ها داشته و سعی در نشان دادن عوارض منفی و عواقب شوم این پدیده دارند (نادمی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۶).

این آثار منفی، جامعه جهانی را دچار چالش‌هایی کرده است که روز به روز بر دامنهٔ آن‌ها افزوده می‌شود و زمینه‌های ظلم و ستم و فساد و دوری بشر را از کمال و سعادت فراهم کرده است. بی‌تردید این آثار، مصداقی بارز برای جمله «كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا...» می‌باشند.

نقش جهانی شدن در آکنده شدن جهان از ظلم و جور بسیار پررنگ می‌باشد و به واسطه آثار منفی بسیار زیادی که توسط جهانی شدن ایجاد می‌شود، ظلم و ستم به اشکال گوناگون جهانی و بین‌المللی شده است.

به عنوان نمونه، امروزه به مدد پیشرفت‌های فنی، علاوه بر افزایش جنگ و خونریزی، جنگ‌ها شکلی دیگر به خود گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که استفاده از جنگ‌افزارهای مدرن، جنگ‌افزارهای هسته‌ای، سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی و میکروبی، بمب افکن‌های پیشرفته، ناوهای جنگی، زیردریایی‌های هسته‌ای، سلاح‌های خودکار لیزری، پهبادهای رادارگریز، رباط‌های جنگنده و... روز به روز افزایش یافته است. ترویج فرهنگ خشونت‌طلبی و ظهور پدیدهٔ شوم جنگ‌های مدرن، آثار بسیار مخرب و چالش‌های بی‌شماری را دربر دارد و باعث قربانی شدن مردم عادی،

به ویژه زنان و کودکان می‌شود. امروزه آمارهای بالایی از کشته شدن غیرنظامیان بی‌گناه وجود دارد که از نظر انسانی هیچ توجیه عقلایی ندارد. مسلماً این روند، به وجود آمدن ظلمی آشکار در حق جامعه بشری را موجب شده است.

نیز امروزه به واسطه تصمیم‌های نابه‌جای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که سیاستمداران اتخاذ می‌کنند و با اجرای آن در عرصه بین‌الملل، به کمک سازمان‌های عریض و طویل بین‌الملل، عرصه‌های متعددی از جامعه بشری با ظلم و ستم عجین شده است.

اما این ظلم و ستم‌ها، نارضایتی‌هایی وسیع و بالتبع خیزش‌هایی اصلاح‌گرایانه در سراسر گیتی را باعث می‌شوند و به واسطه ناهنجاری‌هایی که ایجاد می‌شود، انقلاب جهانی امام عصر علیه السلام آغاز و بستری مناسب برای انقلاب امام عصر علیه السلام فراهم می‌شود؛ چرا که این انقلاب جهانی، زمانی کلید زده می‌شود که مردم از این نابسامانی‌ها و ظلم و ستم‌ها خسته شوند و دنبال راه چاره‌ای باشند. آیت الله مکارم شیرازی در این زمینه می‌گویند:

نخستین نشانه‌ای که با مشاهده آن می‌توان نزدیک شدن هر انقلابی - از جمله این انقلاب بزرگ را - پیش بینی کرد، گسترش ظلم و جور و فساد و تجاوز به حقوق دیگران و انواع مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی است که خود عامل توسعه فساد در جامعه است. طبیعی است فشار که از حد گذشت، انفجار رخ می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ص ۱۶۰).

این انفجارهای اجتماعی به نحوی زمینه‌ساز انقلاب جهانی امام عصر علیه السلام می‌باشند. از منظر ایشان:

به هر حال ظهور این نشانه‌ها به تنهایی شرط تحقق یافتن آن انقلاب بزرگ نیست، بلکه مقدمه‌ای است برای بیدار ساختن اندیشه‌ها، شلاق‌هایی است برای بیداری ارواح خفته و خواب‌آلود و زمینه‌ای است برای فراهم شدن آمادگی‌های اجتماعی و روانی. جهانیان خواه ناخواه مجبور به تجزیه و تحلیل ریشه‌های این ناهنجاری‌ها و همچنین نتایج و عواقب آن‌ها خواهند شد و این خود، آگاهی عمومی را پایه‌گذاری می‌کند و در پرتو آن یقین می‌کنند که ادامه وضع کنونی امکان‌پذیر نیست، بلکه انقلابی باید کرد؛ انقلابی در تمامی زمینه‌ها، برای بنیان‌گذاری یک نظام عادلانه الهی و مردمی (همان: ص ۱۷۰).

## ۶. تضعیف نهادهای ملی

فرایند جهانی شدن به طور طبیعی، خودمختاری و استقلال عمل دولت‌ها را کاهش می‌دهد و اقتدار آن‌ها را تضعیف می‌کند. تضعیف نهادهای ملی و کاهش حاکمیت دولت‌ها، نتیجه عوامل متعددی است که یکی از این عوامل، «فن‌آوری‌های ارتباطاتی»، همانند ماهواره‌ها، اینترنت و فکس است که بر عملکرد نهادهای ملی تاثیر می‌گذارند. «قوانین بین‌المللی» یکی دیگر از این عوامل است. به تعبیر وارویک ای مورای<sup>۱</sup> یکی از عواملی که در شکل‌گیری تئوری اضمحلال قدرت دولت‌ها تاثیر داشته است، ظهور قوانین جهانی است که در سطحی بالاتر از دولت وضع می‌گردند (مورای، ۱۳۸۸: ص ۲۳۲).

این قوانین با فشار بر دولت‌ها به جهت یکسان‌سازی برنامه‌های معین و مشخص، حاکمیت دولت‌ها را به شدت تضعیف کرده است.

بنابراین، در عصر جهانی شدن، حاکمیت ملی دولت‌ها بسیار کم‌رنگ شده است و اصولاً دولت‌ها نمی‌توانند با شهروندان خود هر طور که صلاح می‌دانند، رفتار کنند (هلد، ۱۳۸۲: ص ۲۳)؛ بلکه روند روبه رشد جهانی شدن باعث شده که قدرت‌های سیاسی دچار تزلزل شوند و رهبران کشورها در برقراری ثبات سیاسی موفق نباشند و زمینه‌های اختلافات بالا بگیرد. مسلمانان با غیر مسلمانان اختلاف پیدا می‌کنند و حتی اختلاف، میان خود مسلمانان نیز بروز می‌یابد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

... وَ اِخْتَلَفَ اَهْلُ الْمَشْرِقِ وَ اَهْلُ الْمَغْرِبِ نَعْمَ وَ اَهْلُ الْقَبِيلَةِ وَ يَلْقَى النَّاسَ جُهْدًا شَدِيدًا مِمَّا يَمُرُّ بِهِمْ مِنَ الْخَوْفِ...؛ در میان ساکنان شرق و غرب عالم و حتی در بین اهل قبله اختلاف پدیدار می‌گردد. مردم به واسطه خوفی که دارند، به سختی شدیدی دچار می‌شوند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۲۶).

اختلافات در عرصه‌های سیاسی نیز شدید می‌شود، به نحوی که مردم از حاکمان جوامع بشری به ستوه می‌آیند و دست به قیام‌هایی می‌زنند که این قیام‌ها باعث تزلزل حکومت حاکمان جور می‌شود و زمانی که حکومت حاکمان ظالم دچار تزلزل و بی‌ثباتی شد، بسترهای ظهور آخرین حجت‌الاهی، بیش از پیش فراهم می‌شود:

پیش از ظهور امام زمان علیه السلام ، حکومت‌های ستمگر به ضعف می‌گرایند و این زمینه‌ای می‌شود تا حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را بپذیرند (طبسی، ۱۳۸۶: ص ۲۹).

امام سجاد علیه السلام درباره این آیه شریفه «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْغَلْمُونَ مَنْ أَوْعَفُ نَاصِرًا وَ أَقْلُ عَدَا»؛ تا آن‌گاه که ببینند آن‌چه وعده داده شده است و به زودی خواهند دانست چه کسی یاوران کم‌تری دارد و ناتوان‌تر است فرموده‌اند:

ما یوعدون فی هذه الایة القائم المهدی و اصحابه و انصاره و اعداؤه تکون اضعف ناصرا و اقل عددا اذا ظهر القائم؛ وعده‌ای که در این آیه داده شده است، به حضرت قائم و اصحاب و یاران و دشمنان مربوط است؛ آن‌گاه که امام زمان علیه السلام قیام کند دشمنانش ناتوان‌ترین دشمنان خواهند بود و کم‌ترین نیروها را خواهند داشت (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۴۱۷).

بنابراین:

در گوشه گوشه جهان، قبل از ظهور عدل کامل، قیام‌هایی رخ می‌دهد که همگی چه به حق و در جهت حق و چه باطل و در جهت باطل، به نوعی پیش‌نیاز آماده شدن عالم برای در آغوش کشیدن منجی موعود است. به عبارت دیگر، این قیام‌ها صورت می‌گیرند تا بستر مناسب برای حوادث ظهور فراهم گردد (موسسه فرهنگی موعود، ۱۳۸۷: ص ۱۶).

### نتیجه‌گیری

طبق آموزه‌های دین اسلام، سرانجام امام زمان علیه السلام با قیام و انقلابی به وسعت کل جهان، زمین را پر از عدل و داد می‌کند. در شکل‌گیری این انقلاب جهانی، امدادهایی غیبی مشاهده می‌شود؛ ولی اساس و بن‌مایه آن بر معجزه نیست؛ بلکه باید زمینه‌های تحقق آن به صورت طبیعی شکل بگیرد. یکی از موضوعاتی که در بسترسازی انقلاب امام عصر علیه السلام نقش دارد، «روند جهانی شدن» می‌باشد که در این نوشتار، بعد سیاسی آن مورد ارزیابی قرار گرفته است. جهانی شدن توانسته است با «افزایش آگاهی‌های



سیاسی»، «رشد فوق قلمروگرایی»، «پیدایش سازمان‌های جهانی»، «احساس نیاز به امنیت فراگیر»، «بسترسازی در جهت گسترش ظلم و ستم» و «تضعیف نهادهای ملی»؛ بیش از پیش زمینه‌ها و بسترهای مناسبی برای شکل‌گیری انقلاب و خیزشی عمومی فراهم کند. امروزه افکار عمومی به این باور رسیده است که برای رسیدن به آرامش واقعی، نظام‌های سیاسی بشری نمی‌توانند برای آن‌ها کاری کنند و این آگاهی مقدس، بسترساز مقدس‌ترین انقلاب جهانی می‌باشد. البته ادعای نگارنده این نیست که به دلیل مهیا شدن این بستر، ظهور به زودی محقق می‌شود؛ چرا که ما نمی‌دانیم جهانی شدن تا چه اندازه‌ای باید گسترش یابد و با آثار مثبت و منفی خود، تا چه میزان عرصه‌های زندگی بشری را متحول نماید؛ مضافاً این که در تحقق ظهور عوامل و فاکتورهای متعددی دخیل هستند که روند و تبیین بسیاری از آن‌ها در معادلات معمول نمی‌گنجد.



## منابع

## قرآن کریم.

۱. آقارضایی طرخورانی، نادیا (تابستان ۱۳۹۱). *جهانی شدن و رشد اسلام‌گرایی در جهان سوم*، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۱۹.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق). *التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن*، قم، موسسه فرهنگی صاحب الامر.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰ق). *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، قم، مطبعة الخيام.
۴. استیگلیتز، جوزف ای (پاییز و زمستان ۱۳۸۸). *جهانی شدن و توسعه*، مترجم: حسین علیپور، فصلنامه برنامه و بودجه، شماره ۱۰۹.
۵. اومایی، کنیچی (۱۳۸۶). *صحنه نمایش بعدی جهانی چالش‌ها و فرصت‌ها در دنیای بدون مرز*، مترجم: مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۶. بن. اچ بگدیکیان (۱۳۸۲). *انحصار رسانه‌ها*، ترجمه: داود حیدری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۷. بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۸۸). *سیاست و مهدویت*، قم، موسسه آینده روشن.
۸. پسندیده، عباس (۱۳۸۱). *اصلاحات مهدوی تنها راه نجات*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
۹. تارو، لستر (۱۳۸۳). *برندگان و بازندگان جهانی شدن*، ترجمه: مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. جهانیان، ناصر (پاییز و زمستان ۱۳۸۴). *جهانی شدن اقتصاد و نیاز به دکترین مهدویت*، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۷.
۱۱. حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ق). *قرب الإسناد*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۲. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۳۶۰). *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، قم، بیدار.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. رابرت جرویس (۱۳۸۹). *ماریپیچ سعودی ناامنی بین‌المللی دیدگاه‌هایی در باره سیاست جهان*، ترجمه: علیرضا، طیب، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۱۵. راش، مایکل (۱۳۹۰). *جامعه و سیاست*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت.
۱۶. رامین، فرح (۱۳۸۸). *مردم‌سالاری مهدوی*، مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، قم، جامعه المصطفی العالمیه.
۱۷. روزنا، جیمز (زمستان ۱۳۸۷). *پیچیدگی‌ها و تناقض‌های جهانی شدن*، ترجمه: احمد صادقی، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۵۲.
۱۸. سلیمان، کامل (۱۳۷۶). *یوم الخلاص*، ترجمه: علی اکبر مهدی پور، تهران، آفاق.

۱۹. شولت، یان آرت (۱۳۸۲). *نگاهی موشکافانه به پدیده جهانی شدن*، ترجمه: مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. شیروودی، مرتضی (۱۳۸۶). *جهانی سازی در عرصه فرهنگ و سیاست*، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، زمزم هدایت، قم.
۲۱. صداقت، محمد عارف (۱۳۸۸). *مهدویت و جهانی شدن*، مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکتترین مهدویت، قم، موسسه آینده روشن.
۲۲. صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۹). *بحوث حول المهدی (رهبری بر فراز قرون)*، ترجمه مصطفی شفیعی، تهران، نشر موعود.
۲۳. صدوق، محمدبن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، نشر الاسلامیه.
۲۴. طیبی، نجم الدین (۱۳۸۶). *نشانه‌هایی از دولت موعود*، قم، بوستان کتاب.
۲۵. عرفانی، محمد قاسم (۱۳۸۶). *جهانی شدن و دکتترین مهدویت*، مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکتترین مهدویت، قم، موسسه آینده روشن.
۲۶. قنبری، آیت (۱۳۸۵). *آینده جهان در نگاه ادیان*، تهران، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی.
۲۷. کارگر، رحیم (تابستان ۱۳۸۸). «زمینه شناسی سیاسی انقلاب جهانی مهدوی»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۲۹.
۲۸. کارولین، توماس (۱۳۸۲). *حکومت جهانی*، توسعه و امنیت انسانی، مترجم: مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۹. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). *عصر اطلاعات*، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه: احمد علیقلیان، احمد و افشین خاکباز، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. کرث، جیمز (زمستان ۱۳۷۹ و بهار ۱۳۸۰). *مذهب و جهانی شدن*، ترجمه: حمید بشیریه، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۲۵ و ۲۶.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. کوسا، ازفاو (آذر و دی ۱۳۷۸). *جهانی شدن و منطقه گرایی و تاثیر آن بر کشورهای در حال توسعه*، ترجمه: اسماعیل، مردانی گیوی، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۴۷ و ۱۴۸.
۳۳. کارگر، رحیم (۱۳۸۸). *مهدویت (دوران ظهور)*، قم، دفتر نشر معارف.
۳۴. گروه پژوهشی موسسه فرهنگی موعود (۱۳۷۸). *ظهور و قیام حضرت مهدی (عج) و زمینه سازان*، تهران، انتشارات موعود عصر.
۳۵. گیدنز، انتونی (۱۳۸۹). *جامعه شناسی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
۳۶. مالک، محمدرضا (پاییز و زمستان ۱۳۸۱). *جهانی شدن اقتصاد*، طرحی برای کنترل اقتصاد جهانی، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۴ و ۲۵.
۳۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *مجموعه آثار*، قم، انتشارات صدرا.
۳۹. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸ق). *عقد الدرر فی أخبار المنتظر* علیه السلام، قم، انتشارات جمکران.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *حکومت جهانی مهدی*، قم، نسل جوان.
۴۱. مورای، وارویک ای (۱۳۸۸). *جغرافیای جهانی شدن*، ترجمه جعفر جوان، تهران، نشر چاپار.
۴۲. نادمی، داوود (آذر و دی ۱۳۸۸). *دیدگاه‌های موافقان و مخالفان جهانی شدن*، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۶۷-۲۶۸.
۴۳. نعمانی، محمد ابن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، تهران، مکتبه الصدوق.
۴۴. واترز، مالکوم (۱۳۷۹). *جهانی شدن*، ترجمه: اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
۴۵. هانس، پیترمارتین (۱۳۸۱). *دام جهانی شدن*، مترجم: حمید رضا شه میرزادی، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۴۶. هلد، دیوید و مک گرو، آنتونی (۱۳۸۲). *جهانی شدن و مخالفان آن*، ترجمه: مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۷. هیوود، اندرو (۱۳۹۲). *سیاست*، ترجمه: عبدالرحمان عالم، تهران، نشر نی.
۴۸. سایت مقام معظم رهبری [khamenei.ir](http://khamenei.ir)



## التأثيرات السياسية التي تتركها العولمة على تهيئة الأرضية للثورة

العالمية للإمام المهدي عجل الله فرجه

١ رحيم كاركر

٢ اميد الدرويشي

في الوقت الذي أوجدت «العولمة» تغيرات عميقة ومرحلة ونمطية جديدة من حياة الإنسان وخلفيات ومقولات تأسيسية استطاعت كذلك من ترك آثار ونتائج وإرهاصات متعددة ونظراً إلى إن واحدة من البحوث المهمة في الرؤية والنظرية المهدوية هي الغور في دراسة الأرضية وتوطأت المناخات للثورة العالمية والدولة الكريمة للإمام صاحب العصر والزمان عجل الله فرجه وعليه فقد سعت هذه المقالة إلى بيان كيف يمكن للعولمة وبلحاظ الجانب السياسي من تهيئة هذا الأرضية وقد أشارت إلى بعض الآثار والتعاملات السياسية لظاهرة العولمة وكذلك التطرق إلى التداعيات السلبية والإيجابية التي تحصل حيال ثورة ونهضة الإمام بقية الله الأعظم عجل الله فرجه وحركته الإصلاحية العالمية وعالجت ذلك وبحثته من خلال إستعمالها الأسلوب الوصفي - التحليلي.

المصطلحات المحورية: العولمة، الكوكبية، السياسة، توطأ الأرضية، النهضة، الحكومة، الثورة

سنة ١٣٩٥

شماره ٥٢ / بهار ١٣٩٥

١٤٣

١. عضو في الهيئة العلمية لقسم المهدوية والدراسات المستقبلية في مركز العلوم والثقافة الإسلامية.

٢. خريج المرحلة الثالثة في مركز المهدوية التخصصي (الكاتب المسؤول).